

بحث خصوصی سازی در ایران گمراه کننده است

ناپودی طبقه متوسط اقتصادی
در یک جامعه متعادل به معنای از بین رفتن کل اقتصاد آن کشور است. ولی اقتصاد نوینی ایران با در دست گرفتن منابع ملی و طبیعی کشور، مانع ایفای نقش طبقه متوسط شده است.

عزیزها و زوی عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، در گفت و گو با این ضمن بیان این مطلب گفته: طبقه متوسط در یک جامعه متعادل اقتصادی پیشترین حجم مصرف کننده را تشکیل می دهد و اگر این طبقه به هر دلیلی از خرید منصرف شود، با حجم آن کاهش پیدا کند، تمام اقتصاد آن جامعه از بین می رود.

وی وضعیت طبقه متوسط اقتصادی در کشور های در حال توسعه را قابل مقایسه با کشورهای پیشرفته ندانست و تصریح کرد: بیش تر جمعیت کشورهای در حال توسعه زیر خط فقر به سر می برند، و زندگی آن ها در حد کفاف حداقل مسکن، غذا و پوشاک است، در نتیجه با حجم کم طبقه متوسط اقتصادی که خریدهای آن به رونق اقتصادی جامعه اضافه می کند، مواجهند.

وی با این توضیح که متوسط درآمد کل افراد، تعیین کننده حجم طبقه متوسط اقتصادی یک جامعه است، عنوان کرد: طبق نظر کارشناسان حدود ۸۰ درصد افراد در ایران زیر خط فقر به سر می برند، یعنی حجم طبقه متوسط در ایران کم است و درآمد طبقه فقیر نیز صرف حداقل ها می شود، در نتیجه تولید رونقی ندارد.

وی با بیان این که اگر سازمان ها و نهاد های اقتصادی عمومی، مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و آستان قدس رضوی را به نوعی وابسته به دولت تعریف کنیم، بیش از ۸۰ درصد تولید ملی در دست دولت است. خاطرنشان کرد: می توان گفت دولت در اقتصاد ایران همه کاره است، چون هم تولید می کند هم کارمندان زیر مجموعه آن و بیش تر افراد جامعه از تولید آن مصرف می کنند، یعنی دولت از محل درآمدهای نفتی و با فروش منابع طبیعی و مالیاتی خرج حداقل حتی مصرف کنندگان جامعه را تأمین می کند.

این کارشناس مسائل اقتصادی میزان رشد تولید ناخالص ملی، تورم و

اشتغال افزای آماده به کار را سه شاخص اصلی حرکت کشورهای توسعه یافته در مسیر رشد اقتصادی دانست و اظهار داشت: تمام تصمیم گیری ها در این کشور ها در چارچوب های تعیین شده، بر اساس این سه شاخص انجام می گیرد تا در دوره های بلند مدت ۱۰، ۲۰ یا ۳۰ ساله به شاخص های پلانری دست یابند. وی اضافه کرد: کشور های در حال

توسعه ای مانند چین در سال ۲۰۰۰ توانستند با در نظر گرفتن این سه شاخص فاصله خود را با کشورهای توسعه یافته کم تر کنند و خود را از خط فقر جهانی نجات دهند، ولی در تقسیم کشورهای در حال توسعه، تورم و تحرکی برای برنامه ریزی تولیدی و اقتصادی دیده نمی شود.

وی با اشاره به تقسیم کلیدی و بنیادین بخش خصوصی در رشد و پیشرفت اقتصادی کشور های مانند آمریکا، کانادا و ژاپن تصریح کرد: بخش خصوصی این کشور ها در دست اشخاص است که شایسته ایجاد یک موسسه اقتصادی و اداره آن را بر عهده متابع ملی دارند، ولی تعداد افرادی با این ویژگی ها در بررسی کشورهای دیگر بسیار محدود است.

رازی با گمراه کننده خواندن بحث خصوصی سازی در ایران از آن دست کار در غرب برای افراد معتمد است و ایجاد شغل برای اعضای خانواده و دیگران کار مهمی تلقی می شود و فرهنگ فکری آن ها تحمل ریسک و وارد شدن در فسر اینند داد و ستد و تولید را بسیار مهم می داند، ولی بخش خصوصی در ایران بر مبنای میزان بازدهی مسود خود وارد عرصه تولید و سرمایه گذاری می شود.

وی اضافه کرد: در موارد محدودی بخش خصوصی در ایران پول و سرمایه خود را به خاطر کشور و سرزمین خود وارد بازار می کند و همه به دنبال سود بیش تر و زیادت جریان سوددهی هستند. وی جریان فرار سرمایه و فرار مغزها را نیز در راستای منافع طبیعی شخصی افراد ارزیابی کرد و توضیح داد: بخش خصوصی بعد از سرآورد سوددهی سرمایه خود در کشورهای مختلف مثل ترکیه، ایران، امارات، اروپا و ژاپن دست به سرمایه گذاری می زند و با توجه به ریسک بالای سرمایه گذاری در ایران، به صرف سرمایه خود در کشور ما تمایل زیادی ندارد.

وی با بیان این که هنوز در ایران

عزم نمی و کوشش دسته جمعی برای بهبود وضعیت سه شاخص میزان تولید ناخالص ملی، تورم و اشتغال در کشور به وجود نیامده است. افزاین دانست: برنامه ریزان به جای اجرای برنامه های ضروری بهتر بوده از ۱۰ سال پیش به فکر تولید ناخالص ملی می افتادند، تا به تازگی بخش خصوصی در بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات اشتغال بیش تری ایجاد شود.

این استناد دانشگاه افزایش تولید ناخالص ملی را علاوه بر ایجاد فرصت های شغلی جدید، موجب کاهش تورم در جامعه دانست و تأکید کرد: باید همه به ارتقای شرایط این سه شاخص اصلی کشور تمهید جدی داشته باشند تا به بهبود شرایط در سال های آینده امیوز باشند.